

## همگرایی اخلاقی در سیره نبوی؛ از بسترسازی تا فرهنگ سازی

احمد فلاح زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

بعد از ظهور اسلام، به موازات گسترش تبلیغات رسول خدا، جامعه اسلامی نوعی همگرایی اخلاقی را تجربه کرد. این همگرایی در آغاز بر پایه هدف مشترک و دشمن مشترک شکل گرفت و سپس به یک فرهنگ اجتماعی تبدیل شد. این همگرایی به یکپارچگی اجتماعی انجامید. رسول خدا با تغییر مؤلفه‌های اجتماعی عصر جاهلی، جامعه جدید اسلامی را تشکیل داد. پرسش پژوهش حاضر این است که آن حضرت چگونه و طی چه مراحل، همگرایی اخلاقی را در جامعه پدید آورد؟ این پژوهش برای مستندسازی همگرایی اخلاقی در سیره نبوی به تبیین نقش اخلاق در همگرایی اجتماعی پرداخت و با استفاده از نظریه «همگرایی اخلاقی جامعه»، مدیریت اخلاق اجتماعی آن حضرت را بررسی و تبیین کرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آن حضرت در سه مرحله: هویت‌سازی، ترویج همگرایی و تثبیت، موفق به ترسیم جامعه‌ای با مؤلفه همگرایی اخلاقی شد.

**کلیدواژه‌ها:** سیره اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فرهنگ‌سازی اخلاقی، همگرایی اجتماعی، همگرایی اخلاقی.

---

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. a.fallahzadeh@urd.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۴/۱۰

## درآمد

انسجام اجتماعی برخلاف همگرایی سیاسی، دیرپا و ماندگار است. یکی از نکات مهم تاریخ اسلام تغییر سبک زندگی اجتماعی، دست کشیدن تازه مسلمانان از مفاهیم اخلاق جاهلی و جایگزینی آن با اخلاق اسلامی بود. در این گردش هویت اجتماعی از منش پیشااسلامی (جاهلی) به سبک اسلامی، الگوی اخلاقی رسول الله اولاً مورد تأیید قرآن قرار گرفت و ثانیاً از نظر مسلمانان پذیرفته شد. این پژوهش با هدف واکاوی جایگاه اخلاق اسلامی در نمونه الگوی نبوی و تأثیر آن در همگرایی اجتماعی مسلمانان به گونه‌های رفتاری رسول خدا در ایجاد این همگرایی می‌پردازد و بر آن است تا نقش اخلاق در همگرایی اجتماعی را با تصویری از جامعه اسلامی صدر اسلام، به دست دهد. در این پژوهش از سیره همگرایانه یاد می‌شود، که به آن دسته از رفتارهای فردی-اجتماعی پیامبر ﷺ گفته می‌شود که همگرایی اجتماعی را به دنبال دارد، با این ویژگی که این رفتارها در قالب سیره (به معنای سبک زندگی همیشگی با قابلیت تطبیق با زمان‌های دیگر و با جنبه الگوبرداری) مطرح بوده‌اند.

## پیشینه پژوهش

به‌رغم جستجوهای فراوان، پژوهشی مستقل در موضوع همگرایی اخلاقی به دست نیامد. شماری از تحقیقات نزدیک به این موضوع را این‌گونه می‌توان دسته‌بندی کرد: معتمد لنگرودی و قائدان (۱۳۹۶ش) در مقاله «تأملاتی در همگرایی و واگرایی با اهل کتاب در قرآن و سیره رسول خدا»، به بازتاب رفتار پیامبر ﷺ با اهل کتاب اشاره کرده‌اند. آنان چندان به همگرایی اجتماعی مسلمانان و مخصوصاً سیره نبوی در این عرصه، نپرداخته‌اند. همچنین رضوانی (۱۳۸۷ش) در مقاله «همگرایی مذاهب اسلامی از دیدگاه قرآن و روایات» بیشتر به عناصر سیاسی-اخلاقی همگرایی در متون اسلامی توجه کرده و تنها در بند یازدهم، در دو سطر به اهمیت اخلاق اسلامی بسنده کرده است. صمدی، داویی و اقبالیان (۱۳۹۱ش) در مقاله «مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت» به مبانی استنباط سیره روی نموده‌اند و آن را به سه بخش هماهنگی عقل و وحی، ایجاد فضای اخلاقی و هماهنگی حسن فاعلی و فعلی تقسیم کرده‌اند. مقاله «مبانی و فلسفه همگرایی اجتماعی در عصر نبوی» به قلم بهرامیان و رهنما (۱۴۰۰ش) به طرح این پرسش می‌پردازد که تعاملات عقیده، قبیل و دشمن به‌مثابه روح جمعی در انسجام اجتماعی نبوی چه جایگاهی داشت؟ همان‌طور که پیداست، مسئله این مقاله، اساساً امری غیر از همگرایی اجتماعی آن هم بر اساس سیره نبوی است. در میان مطالعات عربی، مقاله «مقاصد الشریعه فی ضوء أخلاق النبی محمد الاجتماعیه» نوشته زبیدی (۱۴۳۹ق) به شماری از رفتارهای اخلاقی پیامبر ﷺ

اشاره دارد اما درباره همگرایی اجتماعی در آن عصر، سخنی به میان نیاورده است. همچنین مقاله «التکافل الاجتماعي أنواعه وأأسسه التربويه في القرآن الكريم» اثر عبدالقادر (۲۰۱۸ م) بر مبنای روش همگرایی مسلمانان بر اساس اصول قرآنی نوشته شده است و سخنی از اخلاق نبوی در همگرایی اجتماعی به میان نمی‌آورد. در میان آثار انگلیسی، مقاله «بنیان‌های همگرایی اجتماعی در قانون اساسی مدینه» کاری از امبونگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱ م) جایگاه قانون اساسی مدینه در همگرایی اجتماعی را به بحث گرفته است. همین مطالب در مقاله «سیره نبوی در یکپارچگی اجتماعی» کاری از زانیان<sup>۲</sup> (بی‌تا) نیز با اندکی تغییر آمده است. نویسندگان تُرک‌تبار نیز تقریباً همان رویکرد مقالات انگلیسی را پیموده‌اند. در این باره، مقاله «جامعه مسلمانان نخستین و نقش مقوله برادری در شکل‌گیری آن» نوشته آپیک<sup>۳</sup> (۲۰۱۵ م)، ماجرای أُخوت را تنها عامل همگرایی اجتماعی مسلمانان می‌داند. مقاله «یک نمونه از معجزه، توانایی حضرت محمد در دگرگونی اجتماعی» به خامه نوری<sup>۴</sup> (۲۰۲۲) به تغییرات اجتماعی مردم در عصر نبوی اشاره دارد و این تغییرات را یکی از ویژگی‌های رسول خدا می‌شمارد. این آثار از نظر موضوع و گستردگی پژوهش، به جایگاه اخلاق در همگرایی اجتماعی در سیره نبوی نپرداخته‌اند. همچنین بررسی شیوه‌های کاربردی اخلاق فردی، اجتماعی و حکومتی رسول خدا و تأثیر این سبک در همگرایی اجتماعی جامعه مسلمانان نخستین، در آنها برجسته نشده است.

### همگرایی اجتماعی در سیره نبوی

پدید آوردن همگرایی در جامعه با تربیت فردی-اجتماعی (مرحله اول)، پایه‌گذاری سازوکارهای همگرایی اخلاقی (مرحله دوم)، ترویج همگرایی اجتماعی (مرحله سوم) و پایدار سازی همگرایی اجتماعی (مرحله چهارم) امکان‌پذیر است.

### مرحله اول: تربیت فردی-اجتماعی

برای درک رفتارهای پیامبر ﷺ باید با شیوه تربیت یافتگی آن حضرت آشنا شد؛ زیرا فهم زمینه‌های رفتاری افراد در گرو شناخت محیط و شیوه‌های تربیتی است که هر فردی در آن رشد یافته است. منظور از تربیت فردی-اجتماعی، مجموعه رفتارهایی است که مایه تربیت و آماده شدن افراد برای ورود به عرصه‌های فردی و اجتماعی در راستای هدف کلی یعنی همگرایی اخلاقی می‌شود.

1. Embong and et el.
2. Zainan.
3. Açık.
4. Nuri.

## ۱- تربیت یافتگی از سوی خدا

بر اساس داده‌های قرآنی پروردگار خودش پرورش انسان‌های الهی را بر عهده می‌گیرد و اسباب آن را فراهم می‌کند. این امر در برخی از آیات به روشنی اشاره شده است. برای نمونه در آیه ۴۱ سوره طه خطاب به موسی عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «تو را برای خودم تربیت کردم!». این موضوع در ماجرای پرورش مریم عَلَيْهَا السَّلَام در آیه ۳۷ سوره آل عمران نیز تکرار شده است: «پس خدا او را به نیکویی پذیرفت و به تربیتی نیکو پرورش داد و زکریا را به سرپرستی او گماشت». این روال تربیت الهی در مورد حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم ادامه یافت. در آیه ۳۳ سوره احزاب در شأن اصحاب کساء آمده است: «ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد». در این واقعه افزون‌بر رسول خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز حضور داشتند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۸/۲). بعدها علی عَلَيْهِ السَّلَام درباره تربیت الهی ایشان فرمود: «پس از دوران شیرخوارگی، پروردگار، بزرگ‌ترین فرشته‌اش را مأمور کرد تا شبانه‌روز ایشان را بر اساس خلق و خوی الهی پرورش دهد تا مسیر کسب مکارم و اخلاق نیکو را بیاموزد» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۳۰۰). منابع تاریخی نیز همین ادعا را تأیید می‌کنند. به نقل از ابن اسحاق (۱۴۱۰: ۷۹-۸۰)، پیش از بعثت - به هنگام چوپانی رسول خدا- روزی ایشان از مسیر صحرا وارد مکه شد. به محض ورود به شهر، صدای ساز و آواز عروسی یکی از خانه‌های مکه توجه ایشان را جلب کرد. آن حضرت بنا بر میل جوانی مانند سایر جوانان تمایل شنیدن یافت. از این‌رو همان دور دست، جایی که صدا تا آنجا می‌رسید، نشست! اما به محض نشستن، پروردگار گوش او را از شنیدن صدا بازداشت و ایشان را خواب فراگرفت. وقتی هم که از خواب بیدار شد مجلس عروسی تمام شده بود.

بنابر گزاره‌های مورخان، تربیت الهی، در سراسر دوران رسالت آن حضرت نیز ادامه یافت؛ تا جایی که اگر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خواست کاری انجام دهد ولی خدا نمی‌پسندید، به سرعت آن رفتار را از راه وحی اصلاح می‌کرد. برای نمونه هنگامی که آن حضرت با پیکر پاره پاره عمویش حمزه در جنگ احد روبه‌رو شد! ابتدا فرمود: به انتقام این قتل ناجوانمردانه، سی نفر (همان، ۳۳۵) و بنا بر نقلی هفتاد نفر از قریش را مُثله خواهم کرد! (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۹/۳)؛ اما این تصمیم مورد پسند پروردگار قرار نگرفت و آیه ۱۲۶ نحل نازل شد که حکایت از آن می‌کرد که در برابر هر ستمی امکان انتقام به همان میزان است، یعنی یک نفر در برابر یک نفر! با نزول این آیه، رسول خدا از این تصمیم دست شُست (ابن اسحاق، ۱۴۱۰: ۳۳۵).

## ۲- توجه به اسوه‌های قرآنی

معرفی الگوهای قرآنی در قالب داستان‌های قرآنی از دیگر روش‌های تربیتی خدا برای پیامبر ﷺ بود. زیرا مخاطب اول قرآن، شخص رسول الله بود. داستان پیامبرانی چون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم‌السلام و شخصیت‌هایی مانند لقمان و مومن آل فرعون در واقع داستان اسوه‌هایی بود که از جنبه‌های مختلف اخلاق فردی و تبلیغی، از طریق وحی به پیامبر ﷺ معرفی شدند و الگوپردازی از رفتار آنها نیز مورد سفارش قرار گرفت. برای نمونه در آیه ۴ سوره ممتحنه چنین آمده است: «برای شما مؤمنان بسیار پسندیده است که از ابراهیم و اصحابش پیروی کنید!».

## ۳- پیمودن فرآیند کمال اخلاقی

فردی که برای جایگاه پیامبری برگزیده می‌شود، می‌بایست بینش، منش و مهارت لازم را به دست آورد. طی آن باید هر پیامبری به مرحله‌ای از تکامل فردی و اجتماعی برسد تا شایسته سپرده شدن امر رسالت باشد. در این باره برخی از آیات به روشنی از چنین سنی به عنوان «سن کمال» یاد کرده‌اند.

آیه ۱۴ سوره قصص این موضوع را درباره حضرت موسی علیه‌السلام: «و آن هنگام که موسی به سن عقل و رشد رسید و حد کمال یافت ما به او حکم نبوت و مقام علم عطا کردیم...» و آیه ۲۲ سوره یوسف همین سنت الهی را درباره حضرت یوسف علیه‌السلام ثبت کرده است. البته گاهی منظور از «سن رشد» به صورت مشخص چهل سالگی است؛ همان‌طور که آیه ۱۵ سوره احقاف همین دیدگاه را ارائه می‌کند. متون تاریخی نیز پذیرفته‌اند که این سنت الهی که پروردگار، کمال را به نیکوکاران اعطا می‌کند (قصص/۱۴، یوسف/۲۲)، درباره حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز اعمال شده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۱۵/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۹۱/۲).

## ۴- کسب مقام کمال

پس از گذراندن مراحل پیشین، آن حضرت به بالاترین مقامات اخلاقی دست یافت. این مهم در آیه ۴ سوره قلم مورد تأیید قرار گرفته شد: «براستی تو به اخلاق بزرگوارانه و شایسته‌ای آراسته شده‌ای!». طبق آیه ۱۹۹ سوره اعراف: «راه بخشش را پیشگیر و امت را به نیکوکاری امر کن و از مردم نادان روی بگردان»، آن حضرت به مدارا با مخالفان تشویق شد. پس از آنکه پیامبر ﷺ این دستور الهی را به کار بست، آیه ۴ سوره قلم نازل شد (صفار، ۱۴۰۴: ۳۷۹).

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «پروردگار، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به آداب زیبا مزین کرد و به ایشان عبارت «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» را فرمود. سپس به مردم اعلام کرد که هر آنچه آن حضرت انجام می‌دهد، انجام دهند و هر آنچه که ایشان از آن دوری می‌کند، از آن پرهیز کنند (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۶۶/۱). از

این به بعد، در آیه ۲۱ سوره احزاب از آن حضرت با عنوان الگو یاد شد. پس از نزول این آیه، رسول خدا با تأکید بر اخلاق، بخشی از هدف بعثت خود را اخلاق‌مداری معرفی کردند: «إنما بعثت لأتمم صالح الأخلاق؛ من برای تکمیل اخلاق شایسته (اجرای اخلاق برگزیده) برانگیخته شدم» (سمعی، ۱۴۰۹: ۳۴). صورت دیگر این روایت این‌گونه ثبت شده است: «بعثت لأتمم مکارم الأخلاق» (تنوخی، ۱۹۷۵: ۳۶۴/۳).

### مرحله دوم: پایه‌گذاری سازوکارهای همگرایی اخلاقی

رسول خدا با ایجاد ساختاری در میان نومسلمانان، آنها را به گونه‌ای تربیت کرد که از دیگران متمایز می‌شدند. با آنکه آنان در ابتدای مسلمانی (در جامعه مکی) از نظر پوشش و رفتار چندان از بقیه مشخص نبودند؛ ولی از نظر هویتی، جامعه جدیدی را شکل دادند.

#### ۱- تعریف هویت همگرایی اخلاقی

پس از بعثت رسول خدا برای جداسازی جامعه محدود نومسلمانان از جامعه مشرکان، در نخستین گام، هویت اعتقادی با مولفه ایمان به خدا، پیامبر و قیامت به‌عنوان هویت مسلمانی به‌صورت گسترده در آیات کوتاه مکی- مطرح شد. در مرحله بعد تعریفی اخلاقی از این جامعه اعتقادی صورت گرفت. این آمیختگی اعتقادات به اخلاق اسلامی درست از زمانی آغاز شد که تبلیغ اسلام در خانه ارقم بن ابی‌رقم (اوایل بعثت) تمرکز یافت و سی و نه نفر به اسلام گرویدند (دیار بکری، بی‌تا: ۲۹۳/۱). در آن دوره، لحن تند سوره‌های مکی، به ردائل فردی می‌تاخت و فردسازی اخلاق در جامعه را دنبال می‌کرد (اسدی، ۱۴۰۱: ۵۴). مؤلفه‌های اخلاقی مربوط به اخلاق معاشرت مانند استواری بر حق، شکیبایی، گذشت، بخشندگی، مدارا و فروتنی، خوش‌رویی و پرهیز از دروغ، راستگویی و امانتداری در جامعه مسلمنان مکه برجستگی داشتند (ابن اسحاق، ۱۴۱۰: ۲۰۰). این موضوع با برجسته‌سازی دو آموزه اصلی مشترک میان مسلمنان یعنی «تسلیم بودن در برابر حقیقت» و «تقویت حق محوری» ابتدایی‌ترین محور همگرایی ارزشی جامعه بود (دانیالی، موحیدیان عطار و نجارزادگان، ۱۴۰۱: ۲۴۵).

شماری از مولفه‌های اخلاقی از بعثت تا هجرت (یعنی خلال سال‌های ۱-۱۳ قبل از هجرت) دچار تحول مفهومی و حتی کارکردی شدند. چنان‌چه مفهوم صبر از هنگام نزول سوره‌های «قلم تا بلد» حاوی معنای «صبر مقدم بر جهاد» بود اما از زمان نزول «اعراف تا صافات» معنایش «صبر بر ایمان» شد. سپس در خلال سوره‌های «لقمان تا مطففین» حوزه اجتماعی صبر به «وفای به عهد» تبدیل شد. آن‌گاه از سوره «حمد تا عصر» حرکت از خود محوری به خداخواهی، به گفتمان اصلی صبر تغییر یافت. سرانجام از سوره «ذاریات تا مطففین» منظور از صبر، پرهیز مسلمنان از زودرنجی

بود (علاءالدین و ستوده‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۹۰-۱۹۱).

## ۲- اجرای اخلاق همگرایی از سوی پیامبر ﷺ

پس از مرحله هویت‌سازی، آن حضرت شخصاً دست به کار شد و رفتارهایی را به کار بست که به مدد آنها همگرایی اسلامی شکل گرفت.

### ۲-۱- دلسوزی و همدلی

آن حضرت، بسیار انسان دلسوزی بود. سطح دلسوزی آن حضرت در آیه ۸ سوره فاطر، چنین بازتاب یافته است: «[چرا این قدر حسرت می‌خوری؟] به خاطر حسرت [ناشی از اینکه مردم ایمان نمی‌آورند] چیزی نمانده جانت از دست برود!!» همین موضوع در آیه ۳ سوره شعراء بار دیگر تأکید شد. وقتی آن حضرت نسبت به مشرکان این میزان از دلسوزی را بروز می‌داد، درباره مؤمنان، به یقین دلسوزتر بود. جالب آنکه در سراسر دوره پیامبری ایشان این خصوصیت دلسوزی همچنان پررنگ بود تا آن هنگام که آیه ۸۰ سوره توبه نازل شد: «(ای پیغمبر) تو بر آن مردم منافق... اگر هفتاد مرتبه هم بر آنها (از خدا) آموزش طلبی خدا هرگز آنان را نخواهد بخشید...»، ایشان با توجه به اشاره خدای متعال به عدد هفتاد، برای آنها ۱۰۰ بار استغفار می‌کردند تا شاید خدا آنها را ببخشد (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰۰/۲-۱۰۱). اما سرانجام آیه ۵ سوره منافقین نازل شد که هرگز خدا آنها را نمی‌بخشد.

### ۲-۲- نرم‌خویی و مهربانی

یکی از خلقیات پیامبر ﷺ که بارها از سوی قرآن تمجید شد، نرم‌خویی بود. این امر در آیه ۴۴ سوره طه به «اخلاق دعوت» معروف شد. آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، این اخلاق را یک مرحمت الهی می‌داند. گرچه این آیه، از آیات مدنی است، اما این از اصول اخلاقی رسول خدا بود. اخلاق ایشان چنان با گفته‌های قرآن، عجین شد که برخی می‌گفتند، اخلاق پیامبر ﷺ همان قرآن است (مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۹/۱۳).

### ۲-۳- مسئولیت‌پذیری

گام بعدی در اخلاق معاشرتی، پذیرش مسئولیت در برابر یکایک افراد جامعه ایمانی بود. آیه ۸۸ سوره حجر در این باره خطاب به آن حضرت می‌فرماید: «اهل ایمان را زیر پر و بال خود بگیر (و با خوش‌رفتاری بپروران)». لحن آرام سوره‌های مدنی، نشان می‌دهد که اجتماعی‌سازی اخلاق بیشتر در فضای مدینه مطرح بود (اسدی، ۱۴۰۱: ۵۴). ایشان در هر شرایطی، سعی می‌کردند مسئولیتی را پذیرفته و به انجام برسانند. داستان معروف جمع کردن هیزم در سفر، از این قرار بود که وقتی به جایی رسیدند تا استراحت کنند، ایشان فرمودند، گوسفند را آماده کنید تا غذا درست کنیم. یکی

گفت: سر بریدنش با من! دیگری گفت: پوست کندنش با من! سومی گفت: پختن با من! رسول خدا هم فرمود: جمع کردن هیزم هم با من! هرچه بقیه گفتند نیازی نیست شما کار کنید، ما خودمان هیزم جمع می‌کنیم! ایشان نپذیرفتند و فرمودند خدا دوست ندارد کسی خود را از بقیه جدا [بالاتر] بداند! (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۸۸/۲-۱۸۹).

## ۲-۴- بخشش و گذشت

عفو و بخشش در سراسر زندگی آن حضرت، از پایه‌های اخلاق فردی و اجتماعی ایشان شمرده می‌شد و در پاره‌ای از آیات قرآن مانند آیه ۹۹ و ۱۹۹ سوره اعراف و آیه ۱۰۹ سوره بقره، به بخشش توصیه شده بود. روایت‌های تاریخی نشان می‌دهد آن حضرت در محیط خانه نیز همین روش بخشندگی و گذشت را پیش می‌گرفتند. درباره ایشان آمده است: «هیچ گاه بدی را با بدی جواب نداد و بسیار اهل گذشت و بخشش بود» (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۲۷۴/۱).

اوج اخلاق بخشش در پیامبر ﷺ در ماجرای فتح مکه (سال هشتم) نمود یافت. مشرکان مکه با بیش از بیست سال سابقه جنگ و توطئه علیه رسول خدا وقتی که تسلیم شدند، همگی در انتظار انتقام بودند. رسول الله در جمع این شکست‌خوردگان فرمود: انتظار دارید من با شما چه کنم؟! آنها هم پاسخ دادند: از تو جز خوبی و خوشی انتظار نداریم! تو برادری بزرگوار و پسر مردی بزرگ هستی! حضرت هم فرمود: بروید که همه شما آزادید! (طبری، ۱۳۸۷: ۶۱/۳).

## ۲-۵- مردم‌داری

آن حضرت در میان مردم و با مردم می‌زیست و میزان محبت او به مردم به گونه‌ای بود که مهمانانی که وارد منزل می‌شدند بعد از غذا خوردن، سرگرم صحبت کردن شده، خانه آن حضرت را خانه خود می‌پنداشتند و مانع استراحت آن حضرت می‌شدند. با آنکه این امر برای رسول خدا ناگوار بود اما کوچکترین عکس‌العملی نشان نمی‌داد، تا آن‌که آیه ۵۳ احزاب نازل شد: «ای مؤمنان وارد خانه‌های پیامبر ﷺ نشوید مگر زمانی که شما را برای غذا دعوت کند. هنگامی که غذا خوردید پراکنده شوید، نه آنکه برای سرگرمی، سر صحبت را بازکنید. زیرا این کارها پیامبر را آزار می‌دهد ولی او از شما شرم می‌کند، اما خدا از گفتن حق شرم ندارد».

علت اصلی این گرایش صحابه دوری پیامبر ﷺ از تکبر بود. این امر در احادیث آن حضرت هم آمده است: «کوچکترین حس خودبزرگ بینی، آدمی را از بهشت باز می‌دارد» (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۸۴/۴). رفتار رسول الله با مردم آن قدر دوستانه و خودمانی بود که برخی از یاران پا را از دایره ادب بیرون نهاد، رعایت شأن پیامبر ﷺ را نمی‌کردند تا اینکه آیه ۲ سوره حجرات نازل شد: «ای مؤمنان! صدایان را از صدای پیامبر بالاتر نبرید و آن طور که با هم بلند صحبت می‌کنید با او بلند



سخن نگوید، مبدا نادانسته کارهای نیک خود را تباه کنید». یکی از کسانی که مرتکب این خطا شد، ثابت بن قیس انصاری بود که بابت کارش از رسول خدا عذرخواهی کرد (خزاعی، ۱۴۱۹: ۲۳۶).

## ۲-۶- آشتی خواهی

از رفتارهایی که در کانون همگرایی اجتماعی قرار می‌گرفت، آشتی دادن مردم با هم بود. این در حالی بود که برخی از سنت‌های جاهلی جایی برای آشتی نمی‌گذاشت. به همین سبب، ایشان سنت‌های جاهلی را که در آنها انتقام را یک فضیلت می‌دانستند، رد کرد و بخشش و گذشت را سرلوحه رفتار خویش قرار داد. بر همین اساس در واقعه فتح مکه صریحاً اعلام کرد، همه خون‌ها و خونخواهی‌های دوره جاهلیت، زیر پای من است! نخستین خونخواهی که به سهم خودم آن را باطل اعلام می‌کنم، خونخواهی آدم بن ربیع بن حارث بن عبدالمطلب است! وی نوه عموی پیامبر ﷺ بود که در جنگی میان بنی لیث و هذیل، در کودکی، به دلیل خوردن سنگ به سرش از دنیا رفته بود (زبیری، ۱۹۹۹: ۸۸). رسول الله این امر را پایانی بر تمامی خونخواهی‌های دوره جاهلی دانست (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۶۴/۱). آن حضرت به اهمیت آشتی دادن مردم سفارش کرد و پاداش اخروی بزرگی (برابر با ثواب یک سال نماز و روزه) را برای آن بیان کرد (ابن ابی دنیا، ۱۴۲۲: ۴۶). به صورت کلی، ایجاد صلح میان مؤمنان، سیاستی قرآنی بود که در آیه ۹ سوره حجرات نیز بدان اشاره شده است. این آیه زمانی نازل شد که میان دو گروه از انصار در مدینه اختلاف پیش آمد و کارشان به درگیری کشیده شد (صالحی دمشقی، ۱۴۱۴: ۴۱۹/۳).

## ۲-۷- ایثارگری

ایثار به معنای مقدم داشتن دیگران بر خود در امور خیر و دارای منفعت در حالی که خود شخص نیز به آن نیازمند است. این رفتار فردی-اجتماعی از آغاز دعوت عمومی پیامبر ﷺ در سال سوم که با مبارزه قریش همراه شد، تا پایان دولت مدینه، همواره میان مسلمانان رواج داشت. البته برخی از رخدادها این موضوع را برجسته‌تر کرد. برای مثال در ماجرای محاصره سی و پنج ماهه در شعب ابی طالب، بیشتر اموال ابوطالب و خدیجه در کمک به محاصره‌شدگان در شعب صرف شد (راوندی، ۱۴۰۹: ۸۵/۱). ماجرای «لیله المیت»؛ خوابیدن حضرت علی ع به جای رسول خدا (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۳۰/۱) یکی دیگر از این نمونه‌هاست که مورد تأیید آیه ۲۰۷ سوره بقره نیز قرار گرفته است. در ماجرای مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه، مهاجرین مسلمان خانه و کاشانه خود را رها کرده به مدینه گریختند. در چنین شرایطی، مسلمانان مدینه، آنها را به عنوان مهمان پذیرا شدند. این روال ادامه یافت تا در جنگ بنی‌نضیر (ربیع الاول سال ۴ هجری) پیامبر ﷺ با موافقت انصار، اموال

برجای مانده بنی‌نضیر را میان مهاجران تقسیم کرد تا مهاجران نیز به استقلال مالی برسند. قرآن در آیه ششم سوره حشر این رفتار انصار را ستود (ابن هشام، بی‌تا: ۱۹۲/۲). بدین‌سان به هر یک از ابوبکر، عمر، عبدالرحمن بن عوف، صهیب، ابی سلمه و دیگر فقراى مهاجر، قطعه زمینی رسید (دیار بکری، بی‌تا: ۴۶۳/۱).

## ۲-۸- اطاعت‌پذیری

یکی از لوازم همگرایی، تلاش برای یکپارچه‌سازی جامعه، در برابر دشمن خارجی است. این یکپارچگی در گرو همسویی نیروهای اجتماعی است. نقش یک رهبر همگرا برای حفظ نظم و صلاح عمومی ضروری است. با همین رویه، شماری از آیات قرآن، به مقوله رهبری و لزوم اطاعت‌پذیری اشاره دارند. محتوای آیات ۹۲ سوره مائده، ۵۹ سوره نساء و ۶۳ سوره نور بر این نکته تأکید دارد که از فرمان خدا و پیامبر ﷺ و کسانی که از سوی او نصب می‌شوند، نباید سرپیچی شود. این موضوع (اطاعت‌پذیری) تنها در امور سیاسی نبود بلکه به امور فرهنگی نیز کشیده شد؛ تا جایی که رسول خدا بارها نام افرادی را که معنای نامناسبی داشت، تغییر داد و این تغییر نام هم از سوی شخصی که نامش تغییر یافته بود و هم از سوی جامعه اسلامی استقبال می‌شد. برای مثال آن حضرت نام‌های عبد عمرو را به عبدالله (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۸۷/۴)، عبدالحارث را به عبدالرحمن (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲۴۴/۴) و عبد العزی را به عبدالله تغییر دادند (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۲۵۸/۴).

## ۲-۹- عدالت‌خواهی

در عصر نبوی، تأکید بر موضوع عدل، از همان دوره حضور پیامبر ﷺ در مکه آغاز شد؛ درست زمانی که آیه ۹۰ سوره نحل فرود آمد. عثمان بن مظعون ماجرا را این‌گونه نقل می‌کند که جلوی در خانه پیامبر ﷺ، ایشان را دیدم. کمی کنارش نشستم، حالتی به ایشان دست داد که گویا با کسی صحبت می‌کردند که من او را نمی‌دیدم ولی چهره پیامبر ﷺ غرق در عرق بود. بعد از پایان این حالت، رسول خدا رو به من کرده فرمود: جبرئیل آمده بود و آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» را نازل کرد (صفوری، ۱۴۱۹: ۲۷۲/۱). از این زمان، عدالت یکی از راهبردهای همیشگی اسلام بود که مسلمانان نیز این موضوع را از حاکم اسلامی انتظار داشتند. گرچه گاهی برداشت برخی از مسلمانان از عدالت با تعریف رسول خدا از آن متفاوت بود، اما همگی رفتار ایشان را ملاک عدالت می‌دانستند (ابن جوزی، ۱۴۲۸: ۸۷).

## ۲-۱۰- خوش‌گمانی

اسلام، خوش‌گمانی ساده‌انگارانه را نمی‌پذیرد چنان‌که امام هادی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اگر زمانه تغییر کرد و بدی بر خوبی غلبه پیدا کرد، نباید به کسی اطمینان کنید مگر اینکه یقین پیدا کنید» (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۴۲). ولی اگر دلیل روشنی بر بدگمانی نباشد، خوش‌بینی را سفارش می‌نماید، تا جامعه از پیامدهای بدگمانی و تنش دور باشد. تعریفی که اسلام از خوش‌بینی دارد، شامل دو مرحله است. اولین گام در خوش‌بینی، حسن ظن به خداست. این امر نوعی رضایت قلبی انسان از آنچه برایش تقدیر می‌شود را به دنبال خواهد داشت (صفوری، ۱۴۱۹: ۱۳۴/۲). شماری از متون اخلاقی تأکید می‌کنند که خدا خوش‌بینی بندگان به خودش را بسیار دوست دارد (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰: ۱۷۴). گام دوم، تغییر نگاه اجتماعی از نگاه بد به نگاه نیک است که این موضوع در سفارش اهل بیت به‌عنوان امتداد خط فکری رسول خدا نیز تکرار شده است. در این روایات می‌خوانیم: «خوش‌گمانی مایه آرامش قلب و سالم ماندن دین است (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۴۴) و کسی که نسبت به مردم خوش‌گمان باشد، محبت آنان را به دست می‌آورد (همان، ۶۴۲) و کارش پیش می‌رود (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۰۹).

یکی از روش‌های ترویج خوش‌گمانی این گونه نقل شده است: «کار انسان مؤمن را به بهترین وجه تفسیر کن، تا به او علاقه‌مند شوی و این طور نباشد که کارهای او را چنان تفسیر کنی که بدگمان شوی و برای رهایی از بدگمانی، باید که سؤ‌ظن خود را کنار گذاشت (شهید ثانی، ۱۳۹۰: ۲۲). همچنین از سوی رسول خدا این سخن رسیده است که حسن ظن داشت باشید که صفای قلب و آرامش خاطر را پی دارد (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰: ۱۷۳-۱۷۴).

## مرحله سوم: ترویج همگرایی اجتماعی

پس از اجرای فردی مؤلفه‌های همگرایی از سوی رسول خدا، مرحله دیگری از همگرایی آغاز شد که در آن سازوکار اجتماعی همگرایی ترویج می‌شد. برنامه راهبردی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از مرحله تعیین و تثبیت هویت مسلمان همگرا، ترویج همگرایی طی یک برنامه بلند بود:

## ۱- یکپارچه‌سازی جامعه

یکی از روش‌های رسول خدا برای ایجاد همگرایی، تعریفی ساده‌گیرانه از شهروندی در جامعه مسلمان بود. قلمروی این ساده‌گیری آن قدر گسترده بود که اگر شخصی فقط کلمه «لا اله الا الله» را می‌گفت، مسلمان محسوب می‌شد (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۲۳/۳). حتی کسانی که در گرم‌اگرم جنگ با مسلمانان نیز ادعا می‌کردند که همین الان مسلمان شده‌اند، باید مسلمان شدنشان پذیرفته می‌شد. اگر کسی از مسلمانان در جنگ، ادعای طرف مقابل بر اسلام آوردن را نمی‌پذیرفت،

به سختی نکوهش می‌شد. چنان‌که عبدالله بن ابی حذرَد (متوفای ۷۱) نقل می‌کند: رسول خدا در رمضان سال هشتم ما را به سوی قبیله اِضم فرستاد. هنگامی که وارد منطقه آنها شدیم، عامر بن اضبط را دیدیم که با مقداری کالا از کنارمان گذشت و به سنت مسلمانان به ما سلام کرد. در همین حال، یکی از همراهان ما به نام محلّم بن جثّامه که دشمنی شخصی با عامر داشت، غافلگیرانه او را کشت و شتر و کالایش را برای خودش برداشت. وقتی نزد رسول خدا برگشتیم، ایشان فرمود در رابطه با کار نکوهیده شما آیه ۹۴ سوره نساء نازل شده است که «ای اهل ایمان... کسی که ادعای مسلمانی می‌کند... را به خاطر به دست آوردن مال دنیا... [نکشید]...» (ابن هشام، بی‌تا: ۶۲۶/۲). سیاست یکپارچه‌سازی جامعه تا آنجا پیش رفت که آن حضرت در ماه‌های نخست حضور در مدینه پیمانی میان قبایل مدینه و مسلمانان بست و همه را امت واحد نامید. در آن پیمان، بر دو اصل زیست مسالمت‌آمیز و احترام به سایرین توجه زیادی شده بود (ابن هشام، بی‌تا: ۵۰۱/۱).

## ۲- پرهیز از دو قطبی‌سازی

از تلاش‌های موفق پیامبر ﷺ در مدینه، سعی بر در امان ماندن جامعه از دو قطبی شدن و جذب حداکثری بود. ایشان بارها آیه ۳۱ سوره حجرات را در جمع مسلمانان و تازه مسلمانان می‌خواند که «انسان‌ها همگی از یک نسل هستند و زمان و قومیت و چنین مسائلی مایه برتری کسی بر دیگری نیست» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۰/۱۰). ایشان یک‌صدایی و یک‌رنگی جامعه اسلامی را به «سواد اعظم» تعبیر کردند که به معنای پای‌بندی مسلمانان به اجماع مسلمین بود (ثعالبی، بی‌تا: ۱۰۱). در واقع رویکرد بیان معارف اسلامی از سوی رسول خدا نیز رویکردی عمومی با هدف جذب همگانی بود! (ساده، ۲۰۱۸: ۴۵۵). ایشان به هنگام زمامداری مدینه، به‌گونه‌ای رفتار کردند که حتی منافقان نیز خود را از جامعه اسلامی جدا نمی‌دانستند تا اینکه در آیه ۸۴ سوره توبه (سال دهم هجری) به دنبال خیانت‌های فراوان منافقین، دستور داده شد: «هرگز در نماز بر مردگان منافقان حاضر نشو و بر جنازه و قبر آنها (به دعا) نایست...» این آیه زمانی نازل شد که پیامبر ﷺ بر عبدالله بن ابی (سردسته منافقان) نماز خوانده بود (ابن حبان، ۱۴۱۷: ۳۸۳/۱).

## ۳- توجه به اخلاق صنفی

بنابر آموزه‌های نبوی، لازم بود تا گروه‌های درون جامعه در قالب اصناف به همگرایی مقید بوده، هر یک منشور اخلاقی مربوط به صنف خود را رعایت کنند. در واقع با تبدیل جامعه به جوامع کوچکتر (اصناف) همگرایی صورت می‌گیرد. رعایت اخلاق صنفی، از واگرایی جامعه جلوگیری و جامعه را از نظر اخلاقی، پویا، غنی و پایدار می‌کرد. برای نمونه کسانی که به عنوان مبلّغ دینی برگزیده می‌شدند، می‌بایست این اخلاق صنفی شامل همت والا، فروتنی و نرم‌خویی، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری،

بردباری، عدالت، همراهی و همدلی، مهربانی و راستگویی را به کار می‌بستند (عواد، ۲۰۲۳: ۷-۱۳). در اخلاق صنفی معلمان نسبت به مقام دانش‌آموز نیز بایسته بود تا استقبال معلم از دانش‌آموز، حفظ حرمت و کرامت دانش‌آموز، همسانی گفتار و رفتار معلم، استفاده از جمله‌های راحت برای فهم، خوش‌رویی، توان قانع کردن، صمیمی شدن با دانش‌آموز و پاسخ‌دهی به پرسش‌های آنها رعایت می‌شد (عیافی، ۲۰۲۰: ۱۱۵۹-۱۱۸۷).

رزمندگان نیز می‌بایست برای رعایت اخلاق صنفی، به خدا توکل کنند، شجاع باشند، سخن فرمانده را بشنوند، به جنگ پشت نکنند، دنیا طلب نباشند، از شکست ناامید نشوند، اهل عبادت، با هم مهربان و با دشمن خشن باشند (ابن هشام، بی‌تا: ۱۱۷/۲)، خیرخواه، پندپذیر، دیر خشم و پوزش‌پذیر باشند. نسبت به درمندگان مهربان و به زورمندان گردن‌فراز بوده و به درستی از جای نروند و سستی از انجام وظیفه، بازشان ندارد (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۲۷). اخلاق صنفی درباره سایر صنف‌های اجتماعی مانند کاسبان و تاجران، کاتبان (نویسندگان)، کارگران و... به همین صورت، لازم الاجرا بود.

### مرحله چهارم: پایدار سازی همگرایی اجتماعی

پس از مرحله ترویج همگرایی از سوی رسول خدا برنامه‌هایی برای پایدارسازی این مقوله و فرهنگ‌سازی انجام شد که شامل امور زیر بود:

#### ۱- فضیلت بخشی به همگرایی اخلاقی

در این مرحله هم قرآن به انسان‌ها سفارش‌هایی می‌کرد که از دل آن همگرایی اخلاقی به دست می‌آمد و هم کتاب‌های حدیثی روایت‌هایی را گردآوری کردند که به اهمیت همگرایی اخلاقی تأکید می‌کرد. برای نمونه آیه ۹۶ سوره اعراف حاوی این اشاره بود که اگر انسان‌ها از نظر اعتقادی و اخلاقی شئون بندگی و اخلاق را رعایت می‌کردند، برکات الهی شامل حالشان می‌شد. از سوی دیگر مجموعه روایت‌هایی که توصیه به اخلاق همگرایانه در آنها برجسته بود نشان از اهمیت این امر در متون حدیثی داشت؛ چنان‌که کتاب مصادقه الإخوان نوشته ابن بابویه (متوفای ۳۸۱) یکسره به اخلاق همگرایانه اشاره داشت. بعدها شماری از کتاب‌های حدیثی باب‌هایی (مجموعه احادیثی) مانند باب تبجیل الإخوان (بزرگداشت برادران) را در خود گردآوردند که همین مضمون را پیگیری می‌کرد. (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰: ۱۶۷).

#### ۲- تغییر سبک زندگی

امر دیگری که نقشه پایداری همگرایی اخلاقی در جامعه را تکمیل می‌کرد، تغییر سبک زندگی بود. این دگر زیستی در دو لایه فردی و اجتماعی رخ می‌داد و جامعه با هویت اخلاقی به

همگرایی می‌رسید. رسول خدا طی ده سال حکومت در مدینه، این همگرایی اخلاقی را در جامعه نهادینه و آن را به سنتی اسلامی تبدیل کرد. تنها در جامعه مدینه مؤلفه‌هایی مانند اخلاق عبادی و به‌ویژه امر به معروف و نهی از منکر پر رنگ شد (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۷۷/۱۰). سیره همگرایانه در زندگی آن حضرت بسیار نمود داشت لذا آنچه به‌عنوان اخلاق النبی گردآوری شد، بیشتر به همین سیره اشاره دارد (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۹۳). کتاب اخلاق النبی و آداب، اثر عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان اصفهانی (متوفای ۳۶۹) معروف به ابوالشیخ، یکی از این آثار است. تغییر سبک زندگی از واگرایی به همگرایی، دقیقاً بر مبنای اخلاق همگرایانه‌ای رخ می‌داد که در بخش سیره شخصی رسول الله، بدان اشاره شد.

### ۳- تبدیل همگرایی به فرهنگ

اساساً فرهنگ‌سازی برگ برنده پیامبر ﷺ در تبدیل اندیشه همگرایی به یک رفتار جمعی بود. این امر در نامه‌های پیامبر ﷺ به دیگران، سیره شخصی و سفارش‌های ایشان دیده می‌شد. گرچه یک دیدگاه «امت واحده» را در قرآن به معنای گروه گمراهان می‌داند که آنها را خدا به‌وسیله پیامبرانش هدایت کرده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰۴/۱؛ خوشدل، ۱۳۹۹: ۴۴)؛ اما بر خلاف این نظر، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران آشکارا مسلمانان را به یگانگی (همگرایی) می‌خواند. واژه امت در قرآن، حاوی معنای هدایت نیز بود؛ از این رو ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام در آیه ۱۲۰ سوره نحل امت خوانده شد. آن حضرت گاهی برخی از صاحبان ایمان مانند قیس بن ساعده (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰) و زید بن عمرو بن نفیل (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۰۵/۱۵) را امت واحده نامید. واژه «امت واحده» که در این دوره بارها چه در قرآن و چه در کلام پیامبر ﷺ تکرار شد، نوعی واژه‌سازی برای تبلیغ همگرایی بود. همچنان‌که نامه‌های آن حضرت به سران و پادشاهان ایران، روم و حبشه و حاکمان اسکندریه، دمشق و پیشوای پامه همین معنا را در برداشت. در برخی از این نامه‌ها آشکارا آمده بود که اگر مسلمان شوید، همچنان در همان منطقه، حکمران خواهید ماند (ابن اسحاق، ۱۴۱۰: ۷۹-۸۰).

## نتیجه

جوامع متنوع و چند فرهنگی اغلب با تعارض‌های اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. در این حال، همگرایی نقش مهمی در دستیابی یک جامعه به توسعه اجتماعی دارد. پیامبر ﷺ در دوره مکی برای ایجاد جامعه‌ای همگرا، از عنصر اخلاق کمک گرفت تا جامعه بتواند بر اساس ظرفیت اخلاقی خود را در برابر حملات تند مشرکان و کفار حفظ کند. مقدمه هر نوع اجرای برنامه اجتماعی اخلاق محور، تربیت یافتگی دقیق و پیمودن مدارج کمال اخلاقی از مجری طرح است. رسول خدا فرآیند کمال را زیر نظر پروردگار گذرانده بود. آن حضرت با تشخیص اینکه همگرایی اخلاقی می‌تواند جامعه چند فرهنگی مسلمانان را به یکپارچگی برساند، در مکه به تعریف هویت همگرایی اخلاقی پرداخته و سپس همین مؤلفه‌ها را با مهاجرت به مدینه، گسترش دادند. از این زمان، عملاً همگرایی اخلاقی، بخشی از راهبرد اجتماعی آن حضرت به شمار می‌رفت. پیدایش تفکر همگرایی آن هم در جامعه متکثر شبه‌جزیره عربی سبب شد تا جامعه از هویتی به نام «امت» بهره‌مند شود که حاوی معنای یگانگی اجتماعی بود. روحیه همکاری و تعلق در دفاع از مدینه در برابر تهدیدات خارجی از دل این واژه به دست می‌آمد. دولت اسلامی مدینه با همگرایی اخلاقی که از سوی پیامبر ﷺ وضع شده بود، در اداره جامعه متکثر موفق شد تا اینکه مدینه به‌عنوان مرکز دنیای اسلام آن روز درآمد. در گام بعدی، آن حضرت به فرهنگ‌سازی برای تداوم و پایدارسازی همگرایی اخلاقی دست زد. از آن زمان، الگوی همگرایی اخلاقی به نمونه مدیریت اجتماعی تبدیل و فرهنگ حاکم بر مدینه از طریق صحابه و تابعین به شهرهای دیگر اسلامی منتقل شد.

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴)، گردآوری محمد بن حسین رضی، قم، هجرت.
- ابن ابی الدنيا، عبدالله (۱۴۲۲)، نوادر الرسائل ۱۷، کتاب مقتل أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق ابراهیم صالح، دمشق، دار البشائر.
- ابن اسحاق، محمد (۱۴۱۰)، السیر و المغازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۲۸)، شذور العقود فی تاریخ العهود، تحقیق أبو هیثم شهبائی و أحمد عبد الکریم نجیب، بی‌جا، مرکز نجیویه.
- ابن حبان، محمد (۱۴۱۷)، السیره النبویه و أخبار الخلفاء، بیروت، الکتب الثقافیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۴۱۵)، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۸)، طبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن هشام، عبدالملک (بی‌تا)، السیره النبویه، بیروت، دار المعرفه.
- اسدی، میلاد (۱۴۰۱ش)، «بررسی تطبیقی آموزه‌های اخلاقی درسور مکی و مدنی و نقش آن در هویت‌یابی اخلاق اسلامی»، رهیافت فرهنگ دینی، دوره ۵، تیر.
- آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دار الکتب الإسلامی.
- بلاذری، احمد (۱۴۱۷)، أنساب الأشراف، بیروت، دار الفکر.
- بهرامیان، مسعود و شهرام رهنما (۱۴۰۰ش)، «مبانی و فلسفه همگرایی اجتماعی در عصر نبوی»، پژوهش‌های عقلی نوین»، دوره ۶، شهریور.
- تنوخی، محسن (۱۹۷۵م)، الفرج بعد الشده، تحقیق عبود الشالجي، بیروت، دار صادر.
- ثعالبی، عبدالملک (بی‌تا)، اللطائف و الظرائف، بیروت، دار المناهل.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، بی‌نا.
- حلوانی، حسین (۱۴۰۸)، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، تحقیق مدرسه الإمام المهدی، قم، مدرسه الإمام المهدی.
- خزاعی، علی (۱۴۱۹)، تخریج الدلالات السمعیه، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
- خوشدل، حسین (۱۳۹۹ش)، «بازشناسی معنای «امت واحده» با تأکید بر آیه «وَأَوْشَاءَ رَبِّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود/۱۱۸)»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، دوره ۸، فروردین.
- دانیالی، محمد جواد، علی موحدیان عطار و فتح الله نجارزادگان (۱۴۰۱ش)، «همگرایی دینی؛



- تحلیل دیدگاه‌ها و تکمیل مبانی»، مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی، دوره ۶، پاییز و زمستان.
- دیاربکری، حسین (بی‌تا)، تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس، بیروت، دار الصادر.
- راوندی، سعید (۱۴۰۹)، الخرائج و الجرائح، قم، مدرسه الإمام المهدی.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۷ش)، «همگرایی مذاهب اسلامی از دیدگاه قرآن و روایات»، حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۲۵، بهار.
- زبیدی، نبیل محمد غریب شیب (۱۴۳۹)، «مقاصد الشریعه فی ضوء أخلاق النبی محمد - صلی الله علیه وسلم - الاجتماعیه: (نماذج تطبیقیه)»، الدراسات الإسلامیه و البحوث الأكادیمیة، العدد ۸۸، جمادی الاولی.
- زبیری، معصب (۱۹۹۹)، نسب قریش، تحقیق ا. لیفی بروفنیسال، قاهره، دار المعارف.
- سادہ، مریم حسین علی (۲۰۱۸)، «خصائص المنهاج القرآنی فی البناء الأخلاقی للإنسان»، کلیه التریبه الأساسیة للعلوم التربویة والإنسانیة، العدد ۳۸، نisan.
- سمعانی، عبد الکریم (۱۴۰۹)، أدب الإملاء و الاستملاء، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۳۹۰)، کشف الریبه، بی‌جا، دار المرتضوی.
- صالحی دمشقی، محمد (۱۴۱۴)، سبل الهدی و الرشاد، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- صفار، محمد (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- صفوری الشافعی، عبدالرحمن (۱۴۱۹)، نزهة المجالس و منتخب النفاثس، تحقیق عبد الوارث محمد علی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- صمدی، معصومه، مهدی داوویی و طاهره اقبالیان (۱۳۹۱ش)، «مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۰، آذر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد (۱۳۸۷)، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دار التراث.
- طوسی، محمد (۱۴۱۴)، الامالی، قم، دار الثقافة.
- عبدالقادر، بتبغور (۲۰۱۸)، «التکافل الاجتماعی أنواعه وأسسہ التربویة فی القرآن الکریم»، دراسات الانسانیة و الاجتماعیه، العدد ۰۸، ژانویه.
- علاء‌الدین، سید محمدرضا و محمدرضا ستوده‌نیا (۱۳۹۸ش)، «سیر تحلیلی رفتار «صبر» به ترتیب نزول و کاربست‌های آن در تربیت اعتقادی»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، دوره ۱۳، پاییز و زمستان.
- عواد، خالد جمال (۲۰۲۳)، «أحادیث أخلاق المعلم فی السنه النبویه (دراسه موضوعیه)»،

- المجله العلوم الاسلاميه، العدد ۱، الشتاء.
- عیافی القحطانی، منیره هشبیل (۲۰۲۰)، «احترام المتعلم فی السنه النبویه (دراسه موضوعیه)»،  
المجله العلمیه لکلیه اصول الدعوه بالزقزقیق، العدد ۴، أكتوبر.
- عیاشی، محمد (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعه  
العلمیه.
- کلینی، محمد (۱۳۶۲ش)، الکافی، تهران، اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳ش)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، تهران،  
اسلامیه.
- مصباح الشریعه (۱۴۰۰)، منسوب به جعفر بن محمد (ع)، بیروت، اعلمی.
- معتمد لنگرودی، فاطمه و اصغر فائدان (۱۳۹۶ش)، «تأملاتی در همگرایی و واگرایی با اهل  
کتاب در قرآن و سیره رسول خدا»، مطالعات تاریخ اسلام، دوره ۹، زمستان.
- مفید، محمد (۱۴۱۳)، الإختصاص، قم، دار المفید.
- مقریزی، تقی الدین (۱۴۲۰)، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع،  
بیروت، دار الکتب العلمیه.
- Aç k, Fatih (2015), “İlk İslam Toplumunun İnşa Sürecinde Kardeşlik Projesi”, İnsan ve Toplum Bilimleri Araşt rmalr Dergisi, Cilt: 4, Say : 3, s 686 - 704.
- Embong, Zaleha, and et el (2021), “Principles of Social Integration in the Constitution of Medina”, Academic Journal of Interdisciplinary Studies, Vol. 10 No. 1, p 382-390.
- Nuri, Demir, (2022), “Bir Mûcize Örneği Olarak Hz. Peygamber’in İnsanlar Dönü ştü rme Kabiliyeti”, ATEBE Dergisi, Say : 8, s 47-67.
- Zainan, Khairul Nizam, “The prophetic methodology in the integration of society”  
[https://www.academia.edu/10886323/THE\\_PROPHETIC\\_METHODOL OGY\\_IN\\_THE\\_INTEGRATION\\_OF\\_SOCIETY](https://www.academia.edu/10886323/THE_PROPHETIC_METHODOL OGY_IN_THE_INTEGRATION_OF_SOCIETY).